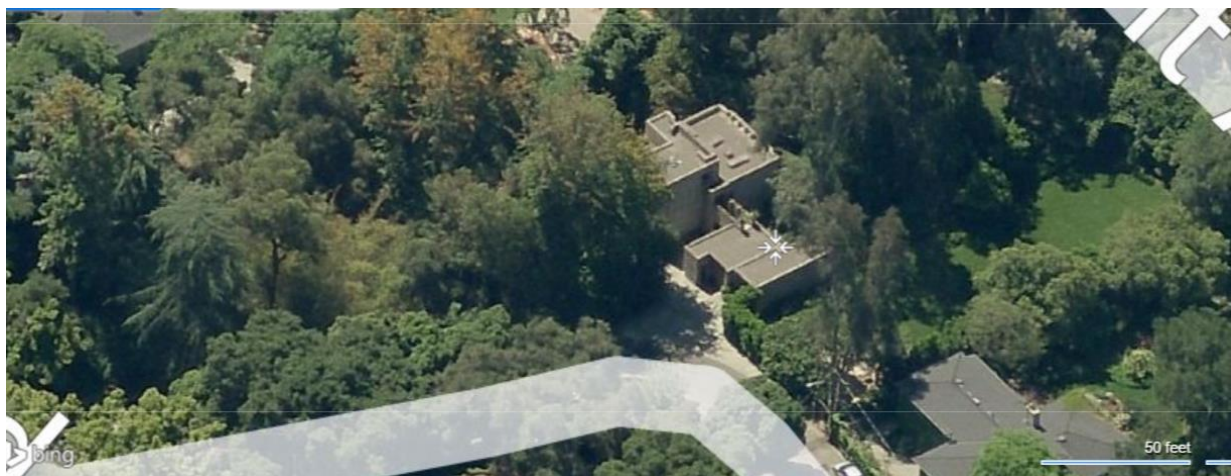




در سال 2015، خانه میلارد، یکی از خانه های طراحی شده توسط فرانک لوید رایت به قیمت 3.65 میلیون دلار به فروش رفت. این مبلغ، نصف مبلغ فروش آن در سال 2008 است. این خانه که در زمان ساخت خود در 1923، مورد انتقادات جدی قرار گرفت، در سال 1976، به ثبت ملی تاریخی رسید، ولی البته همچنان در مالکیت خصوصی به عنوان خانه مسکونی باقی ماند. با آنکه دیوید گبارت، یک معمار شناخته شده در زمینه حفاظت تاریخی، تصویر شاعرانه ای را که این بنا در سایت خود ایجاد می کند، قابل مقایسه با خانه آبشار رایت می داند، نه به لحاظ معروفیت و نه به لحاظ ارزشی، این خانه قابل مقایسه با خانه آبشار نبوده و نیست. گذشته از ارزش تاریخی بنا، بنظر می رسد این بنا، به عنوان یک خانه هیچ گاه در منطقه خود مطلوب نبوده است و قیمت آن در بهترین حالت معادل خانه های است که در این منطقه قرار دارند. این مقاله ضمن معرفی بنا، تلاش دارد تا مروری بر دلیل عدم استقبال از این بنا که با هدف معماری منطبق با محیط ساخته شد، داشته باشد.

در ده بیست قرن بیستم فرانک لوید رایت چهار خانه با بلوک های سیمانی در لوس آنجلس طراحی کرد که خانه میلارد در شهر پاسادنا بهترین آنهاست. رایت بیش از پانصد خانه طراحی کرد، که بیشترین آنها در شرق امریکا و در شیکاگو محل زندگی رایت بود. میلاردها زن و شوهری در کار فروش کتابهای قدیمی بودند. رایت در سال 1906 در شیکاگو خانه ای برای میلاردها طراحی کرده بود. آنها در سال 1913 به پاسادنا جنوبی مهاجرت کردند، و پس از مرگ شوهر، آلیس که شغل خود را گسترش داده بود و به فروش عتیقه های اروپایی روی آورده بود از رایت خواست تا خانه ای در پاسادنا برای او طراحی کند.



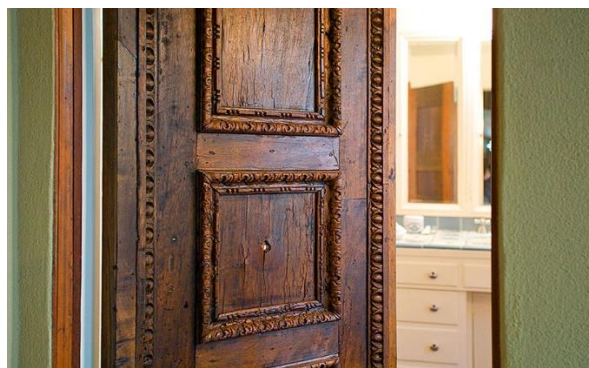
خانه میلارد از دید پرنده

در اواخر دهه بیست قرن بیستم، پاسادنا به یک مرکز توریستی و اقامت زمستانی ثروتمندان، بخصوص تاجرانی که از سرمای شرق آمریکا می گریختند، تبدیل شده بود. خانه های گران قیمتی در این منطقه توسط معماران شناخته شده محلی طراحی می شد که الگویی از معماری اروپایی بود و در شرق آمریکا رواج داشت، خانه هایی با استراکچر چوبی، سقف های شیبدار، و مصالح گران. این معماری با آب و هوای معتدل و نسبتاً خشک لوس آنجلس همخوانی نداشت، علاوه بر آنکه در این معماری استفاده از فضاهاى باز و نیمه باز منحصر به ایوانهای مسقف بزرگی بود که رو به حیاط جلو و خیابان بودند. حیاط های پشتی که به خانه خدمتکار راه داشتند، محلی برای خشک کردن لباس و انبار بودند. آشپزخانه های کوچک در وسط بنا بین غذا خوری و خانه خدمتکار طراحی می شدند، زیرا که در این خانه ها قرار نبود صاحبخانه کاری با آشپزخانه داشته باشد.

خانه میلارد پنجمین کار او در لوس آنجلس و اولین و آخرین کار او در پاسادنا بود. او دو کار دیگر با استفاده از بلوکهای سیمانی طرح دار طراحی کرده بود و وقتی که آلیس میلارد از او خواست تا خانه اش را طراحی کند، رایت پیشنهاد کرد تا مرحله پیشرفته تری از متد بلوکهای سیمانی را در این خانه بکار گیرد. آلیس منوط به اینکه سلیقه خود در فرم یک شومینه پر نقش و نگار در پذیرایی، درهای چوبی ایتالیایی کنده کاری شده قرن هجدهم، شیرهای سنگی در ورودی پله ها، و کاشیهای ویژه در سرویسهای بهداشتی بکار گیرد، با استفاده از بلوکهای سیمانی موافقت کرد. رایت بقدری از این کار فرمای پر احساس و سایت زمین خشنود بود که مبلغ دستمزد خود را کاهش داد تا با بودجه کارفرما مطابقت کند. رایت در زندگینامه خود می نویسد که او به این دلیل بلوکهای سیمانی را انتخاب می کند که ارزانترین و زشت ترین چیز در دنیای ساختمان هستند و او می خواست ببیند با این آشغالها چه می تواند بکند. او در نظر داشت تا روشی ارزان و ساده از ساخت را توسعه بدهد که مردم عادی را قادر به ساخت خانه های خود با این بلوکها کند. با اضافه کردن طرحهای تزئینی به بلوکها در تولید انبوه، رایت امیدوار بود که این بلوکها توانایی تبدیل به مصالح ساختمانی با تنوع بسیار، برای ایجاد زیبایی معماری را پیدا کنند. رایت متد بلوکهای منقوش را راهی کاملاً مدرن و مردمی برای بیان ایده معماری ارگانیک خود می دید.



شیرهای سنگی



درهای ایتالیایی کنده کاری شده قرن هجدهمی

خانه ای که رایت طراحی و اجرا کرد بسیار ساده بود و بسیار دور از معیارهای خانه های اعیان نشین منطقه و شاید برای همین بود که رایت دیگر سفارشی برای طراحی خانه در این منطقه نگرفت، تا سالها بعد قبل از مرگ در دهه پنجاه و در اوج شهرت، آن هم در منطقه بورلی هیلز که به همت تازه بدوران رسیده های لوس آنجلسی رونق می گرفت. این خانه نمایشی از اصول معماری مدرن، از پلان باز، سقفهای مسطح، رابطه ارگانیک بین فضاهای باز و بسته، و مهمتر از همه روش زندگی در داخل بنا و بیرون از آن برای آب و هوای لوس آنجلس بود.

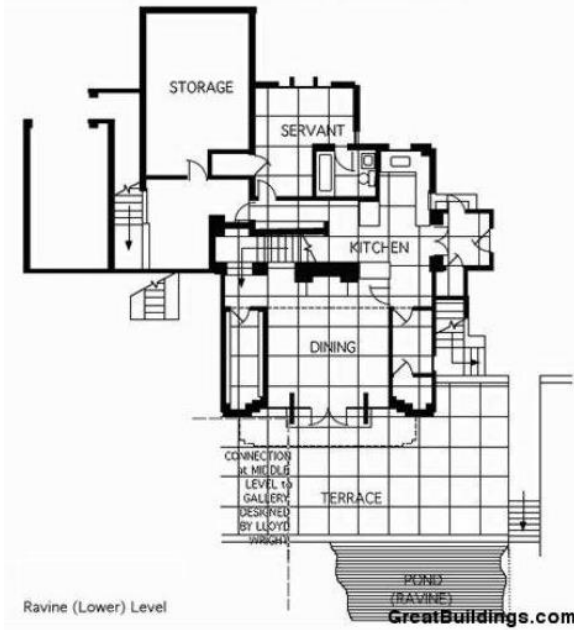


رایت خانه را با بلوک های سیمانی که از شن و ماسه ملک که در محل تهیه می شدند، ساخت، برای آن که امیدوار بود معماری مدولار و دوستدار طبیعتی را آموزش بدهد که از خاک خود برخاسته باشد و جزئی از آن باشد. با استفاده از بافت خشن و خاکی بلوکها، رایت در نظر داشت تا خانه را با رنگ و فرم درختان و تپه سایت در آمیزد. بلوکهای سیمانی سه انچی در کنار هم بدون ملات قابل رویت چیده شده بودند و بخلاف سایر بناهای که رایت با بلوکهای سیمانی ساخته بود، هیچ آرماتوری بنا را بهم چفت نمی کرد. همین عدم وجود آرماتورها به نظر مرمت کننده بنا در سالهای بعد کمک کرد تا بلوکهای سیمانی از زلزله و نشست جان سالم به در برند. نقش روی بلوکها یک موتیو متقارن مایابی مدرن شده، متشکل از یک صلیب در وسط و چهار مربع در گوشه های آن بود. بلوکها در قالبهای چوبی در محل ریخته می شدند. برخی از این بلوکها مجوف بودند و برخی تو پر. این بلوکها نه تنها در بنا که در دیوارهای خانه و سنگفرشهای کف هم بکار گرفته شدند.

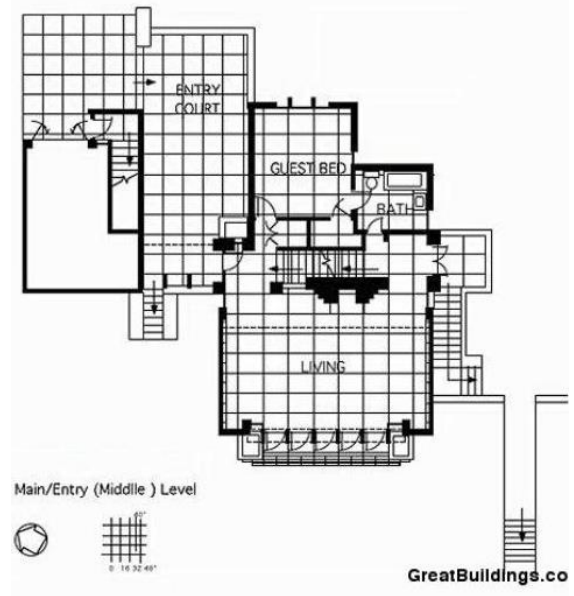


بلوکهای سیمانی منقوش در نما، برخلاف کارهای دیگر راییت، خطوط عمودی ایجاد می کردند و همین بلوکها در نمای داخلی بنا هم ظاهر می شدند. بلوکها با بافت مجوفی که به آنها داده شد، نور و هوا را به داخل خانه هدایت می کردند، تا بنا هم از طبیعت آرام و معتدل لوس آنجلس بهره ببرد و هم طبیعت زیبای محوطه. طراحی منظر خانه را راییت پسر انجام داد و از گیاهان بومی محل استفاده کرد. با وحدت دکوراسیون و عملکرد، نمای بیرونی و درونی، زمین و آسمان، بلوکهای مجوف مثل پنجره های سققی عمل می کنند. در حالیکه این کار از بسیاری جهات با کارهای قبلی راییت متفاوت بود، در ادامه علاقه او به مصالح طبیعی و بومی و اعتقاد او به اینکه بناها باید مکمل محیط خود باشند، بود. او بعدها گفت که خانه میلارد به زمینی که روی آن ایستاده است تعلق دارد.

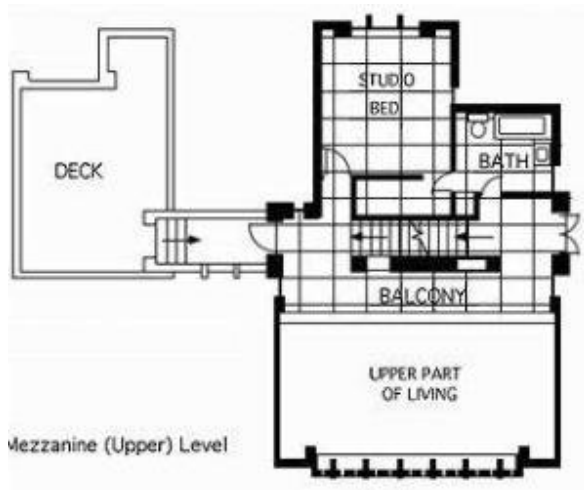
خانه میلارد به وسعت تقریبی 400 متر مربع در زمینی به وسعت 4000 متر مربع ساخته شده است که شبیهی ملایم از شمال به جنوب دارد در طول و از کناره ها به وسط دارد. خانه چهار اتاق خواب، چهار دستشویی، دو آشپزخانه، و یک استودیو دارد. پلان آن بسیار ساده و در سه طبقه است و گردش بین طبقات اطراف یک شومینه مرکزی شکل گرفته اند. طبقه اول شامل اتاق خدمتکار، آشپزخانه، و اتاق پذیرایی است که رو به حیاطی باز می شود که یک استخر در آن است. طبقه دوم شامل ورودی اصلی، اتاق مهمان، و یک نشیمن با ارتفاع دو طبقه است که شومینه و بالکن دارد. طبقه سوم شامل اتاق خواب آلپس میلارد است که بالکنی رو به نشیمن طبقه دوم دارد و یک تراس روباز. اتاقهای خواب در هر سه طبقه به سمت شمال و حیاط شمالی باز می شوند که از درختهای بومی پر شده است.



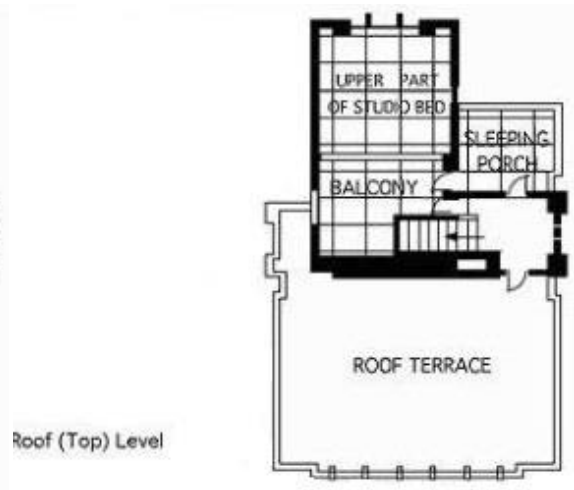
پلان طبقه اول



پلان طبقه دوم



پلان طبقه سوم



پلان بام

مهمترین و زیبا ترین بخشهای خانه، نشیمن طبقه دوم و سالن پذیرایی طبقه اول است. نمای رو به حیاط نشیمن بالا یک هفت دری است که به بالکنی سراسری باز می شود، اما سه در وسطی در پنج دری طبقه پایین، یک در بزرگ شیشه ای می شود تا نمای گسترده تری از حیاط جنوبی را به نمایش بگذارد. همین نما در بالا ترین طبقه منحصر به بلوکهای سیمانی مجوف می شود. بخش مهمی از فضای شاعرانه این خانه بدلیل نوری است که از بلوکهای سیمانی مجوف به داخل خانه می آید و درختانی که در فاصله نزدیک از هر پنجره خانه قرار دارند. سایه روشن نور در زمانهای مختلف روز، اشکال بی نظیری در داخل خانه ایجاد می کند.



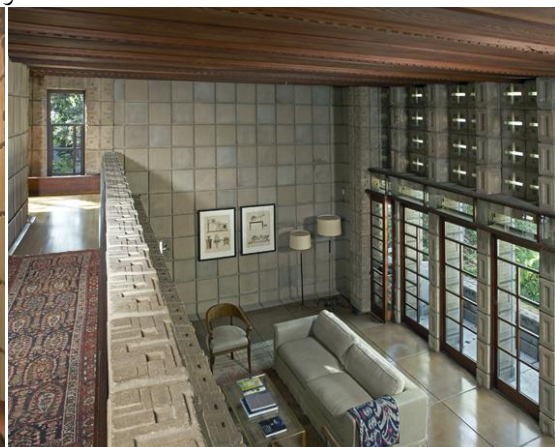
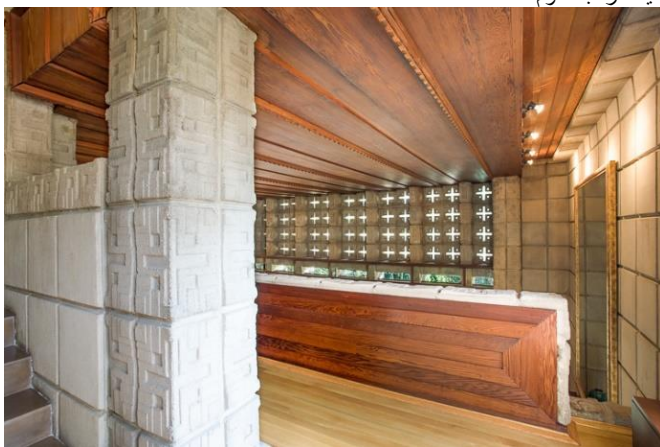
پذیرایی طبقه اول



نشیمن طبقه دوم



شومینه در طبقه دوم



بالکن طبقه سوم رو به نشیمن طبقه دوم و پشت به پلکان و اتاق خواب اصلی



اتاق خواب اصلی



آشپزخانه

استودیو و سویت میهمان که عمود بر بنای اصلی به خانه الحاق شده است، چندین سال بعد، در 1926، به درخواست کارفرما و توسط راییت پسر طراحی شد و بهمین دلیل در پلانهای اولیه اثری از آن نیست.



استودیو



این بنای خطی مکمل، حیاط جنوبی را به نوعی حیاط مرکزی می‌کند که در دو طرف استخری با فرمی نامنظم قرار دارد. ضلع منحنی این استخر تنها خط غیر مستقیم در این خانه است. از بنا و در کنار این حیاط مرکزی با مسیری پله‌کانی به ورودی فرعی ملک در انتهای جنوبی ملک می‌رسیم. استخر نیلوفر تماماً با گیاهان کوتاه احاطه شده است و در یک ردیف عقب‌تر با درختان تنومند.



ورودی اصلی و سواره بنا در ضلع شمالی ملک قرار دارد، که به یک محوطه چمنزار بزرگ وارد می‌شود. از این ورودی، خانه بنای کوچک دو طبقه‌ای در سمت چپ ورودی است. در انتهای این چمنزار، محوطه کوچکی سنگفرش و سایه‌سار برای نشستن در هوای آزاد قرار گرفته است.



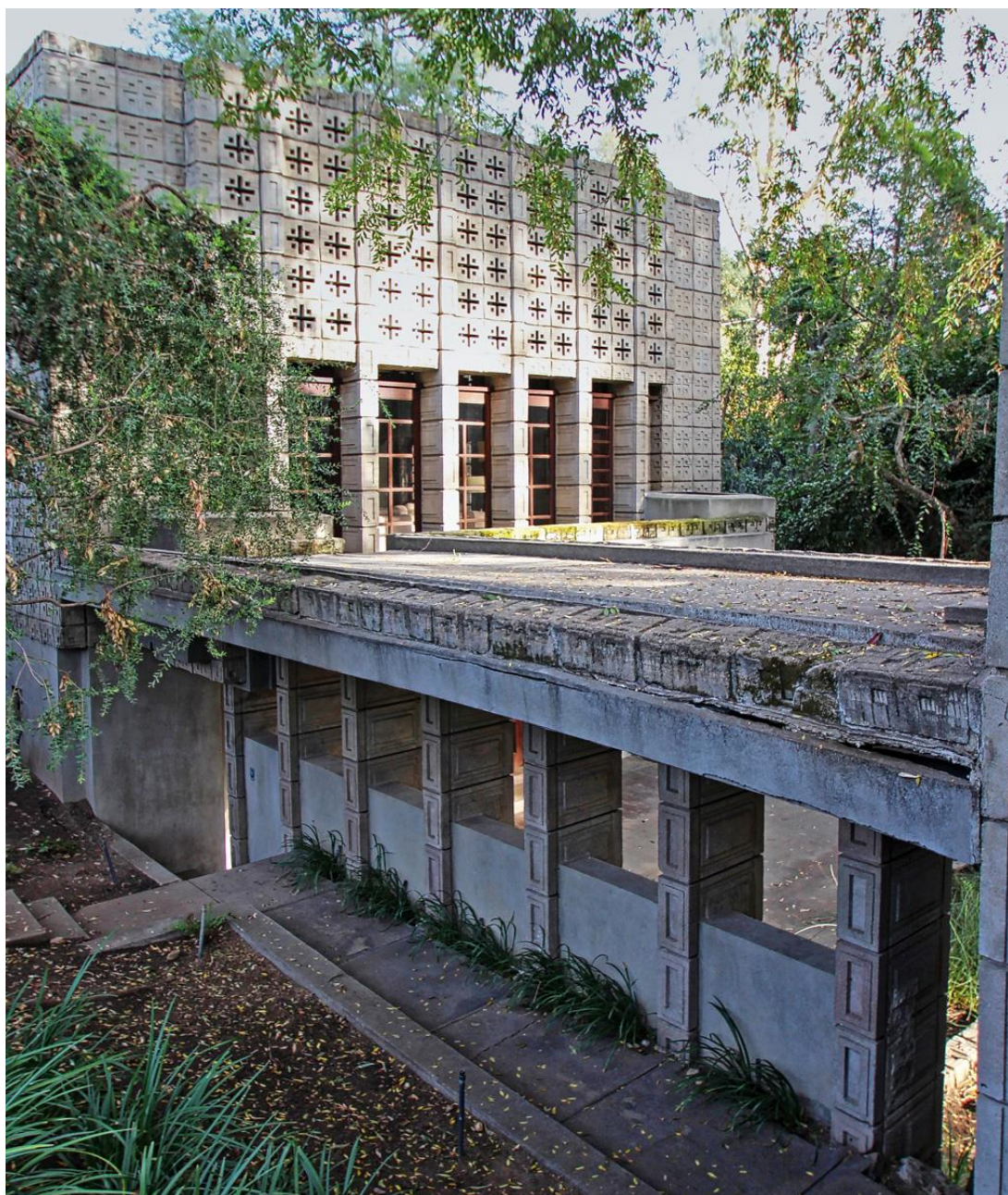
ورودی پارکینگ



حیاط خلوت ورودی

این بنا جزء اولین بنا های مسکونی است که اتوموبیل در طراحی آن لحاظ می شود و برای آن ساختمان پارکینگ و ارتباطات پارکینگ و بنا در نظر گرفته می شود. اختلاف سطح دو ورودی شمالی و جنوبی باعث می شود که ورودی اصلی به طبقه وسط برسد. از محوطه سنگفرش شده حیاط خلوت ورودی و از زیر پلی که پارکینگ و بنا را بهم متصل می کند، به فضای نشیمن مرتفع دو طبقه خانه می رسم که سقف چوبی آن از بالای بالکن طبقه سوم به اتاق خواب اصلی می رسد.

چندین تراس در بام که سطوح افقی مسیرهای ارتباطی را گسترش می دهند، تصویر یک معماری مقیاس وسیع را تقویت می کنند. هر دو این مسیرهای ارتباطی و خانه به نحوی به هم تنیده شده اند که ساختار سایت و شیب طبیعی آن را حفظ کنند. بخش حساس تر سایت و دامنه سمت چپ شیب دست نخورده باقی مانده اند، اما در ترکیب نهایی به یک وحدت فوق العاده با بنا و محوطه طراحی شده می رسند.



خانه ای که قرار بود ارزان باشد، هفتاد درصد بیشتر از پیش بینی اولیه، به قیمت 17,000 دلار تمام شد و گفته شده است که سازنده آن نیمه کاره از پروژه کنار کشید و گفت که رایت باید از جیب خودش کار را تمام کند. مثل بسیاری از خانه های رایت،

خانه میلارد در موقع باران نشت آب و نم داشت. بعد از آنکه در یک باران شدید، خانه دچار آب گرفتگی شد، آلیس از نامناسب بودن دفع آبهای سطحی به رایت شکایت کرد که موجب شده بود آب و گل به ارتفاع 1.5 متر در طبقه اول جمع شود. بنظر می رسد رایت زیاد از این دست شکایت ها دریافت می کرده است. وی در پاسخ به شکایت مالک دیگری که به او نوشته بود در یک مهمانی آب از سقف روی سر می چکیده است نوشت چرا جای صندلی خود را عوض نمی کند.

مشکل اصلی این خانه مثل دیگر خانه های رایت کوتاه بودن سقف ها نبود. برای آنکه از رایت پذیرفته شده بود که همه چیز را با مقیاس انسانی می سازد، 1.7 متر درست قد خودش! انتقادات عمومی به خانه میلارد از نوع دیگری بود. دست اندر کاران ساختمان در مقابل او ایستادند و تاسف خوردند که همچو مصالحی را برای داخل و خارج یک بنای گرانبه قیمت استفاده کرده است. آنها می پرسیدند کدام آدم ثروتمندی حاضر است در چنین خانه ای زندگی کند. رایت هم جواب داد من ترجیح می دادم این خانه کوچک را بسازم تا کلیسای سن پیتر رم. در سال 1924 او در وصف لوس آنجلس گفت که برهوتی از آدمهای بی احساس است و به شیکاگو بازگشت. این عدم علاقه متقابل بود و موجب شد تا سالها بعد که بناهای رایت در دیگر نقاط کشور و دنیا پرستش می شدند، آن اندکی که در لوس آنجلس ساخته بود به فراموشی سپرده شده و بتدریج خراب شوند. خانه میلارد اقبالی داشت که در دست مالک خصوصی باقی ماند. اما گذشت زمان مشکلات آن را بیشتر کرد و کمتر نکرد. در سال 2008 که مالک خانه که یک تهیه کننده فیلم بود و خانه را برای فروش گذاشته بود، آن را به معرض بازدید خصوصی گذاشت. بازدید کنندگان از خسارات زیادی که بنا در اثر رطوبت و نشت آب دیده بود بازدید کردند. همچنین خسارات کندوی زنبور عسل که در اتاق خواب اصلی بین دیوارها در طول زمان بزرگ و بزرگ شده بود و وقتی زنبورها را فراری دادند، عسل بین دیوارها ریخت. کار بازسازی خانه تا آن زمان 2.5 سال زمان برده بود، از تعمیر و بازسازی بلوکهای سیمان تا روغن کاری سقف و تعویض سیمهای برق. به همت 1000 بازدید کننده دست اندرکار معماری، چند ماه بعد، خانه به مبلغ 7 میلیون دلار به فروش رفت. یکسال بعد خانه دوباره برای فروش گذاشته شد اما اینبار فقط 5 میلیون دلار فروخته شد و سرانجام در سال 2015 به قیمت منطقه ای خود 3.6 میلیون فروخته شد.



وقتی خانه استورر که با همان متد بلوکهای سیمانی ساخته شده بود و پس از بازسازیهای بسیار جایزه انجمن معماران امریکا را گرفت، نتوانست به قیمت بالایی به فروش برسد. یک منتقد پرسید که کسی چهار برابر قیمت منطقه به ساختمانی بدهد که در تاریخ معماری زندگی کند؟ حتماً نه، حتی اگر به بهترین نحو بازسازی شده باشد.

لوس آنجلسیها هرگز این بلوکهای سیمانی را نپسندیدند. و البته از جانی حق داشتند، زیرا که این متد ساخت قرار بود برای ساخت ارزان و راحت خانه بکار گرفته شود نه برای خانه های لوکس گرانبه قیمت. هیچ کس از اصول معماری مدرنی که رایت به آنها آموزش داد تشکر نکرد، از استفاده از پلان باز و سقفهای مسطح، از رابطه ارگانیک بین فضاهای باز و بسته، و معماری برای هوای لوس آنجلس. همه آن چیزی که در چشم پولدارهای لوس آنجلسی و منتقدان بود بلوکهای سیمانی بظاهر ارزشش بود که آن را دوست نداشتند و ندارند. شاید اگر این خانه با مصالح گرانتتری ساخته می شد اینچنین مورد حمله قرار نمی گرفت و اقبال بهتری داشت، زیرا که خانه ارزشهای دیگری داشت که در زمان خود دیده نشدند. اما از جانب

دیگر اگر قول ارزان تمام شدن آن هم داده نمی شد، آلیس بودجه آن را نداشت که سفارش خانه را به راییت بدهد. گرچه که خانه ارزان هم ساخته نشد ولی راییت روش ساخت خود را تجربه کرد.

خانه ای که راییت عادت داشت آن را "این خانه کوچک" بنامد و اسم مینیاتور را برایش انتخاب کرد، امروز هرچیز دیگری به نظر می رسد بجز مینیاتور. پس از سالها دیگر این خانه نه محل راحتی برای زندگی یک خانواده است و نه کسی براحتی از پس مخارج تعمیرات همیشگی این خانه بر نمی آیند. مگر آنکه بقول منتقد خانه استورر "اگر می خواهید در خانه ای زندگی کنید که نامی دارد، خود را برای پرداخت هزینه های این افتخار آماده کنید."

